

رابطه بین مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی

دکتر امید فرهادتوسکی

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.
farhadi_omid58@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی برای شرکت‌های تولیدی فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ استفاده شده است. در این پژوهش اندازه شرکت حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و حق الزحمه شرکت حسابرسی (ریسک حسابرسی) به عنوان متغیر وابسته و مالکیت مدیریتی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد و یا بیشتر از ۲۰ درصد) بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان منافع مالکیت مدیریتی در یک شرکت می‌تواند بر انگیزه‌های مدیریت در مورد نوع و کیفیت حسابداری تأثیر بگذارد. این می‌تواند بر تمایل شرکت‌ها برای حسابرسی با کیفیت بالاتر و ارزیابی ریسک مشتری توسط حسابرسان تأثیر بگذارد.

واژگان کلیدی: مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی، فرضیه همگرایی منافع مدیریت، فرضیه استحکام منافع مدیریت.

مقدمه

این پژوهش بررسی می‌نماید که آیا مالکیت مدیریتی بر اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه شرکت حسابرسی تأثیرگذار است. ادبیات مالی نشان می‌دهد که سطح مالکیت مدیریتی نشان دهنده دو مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران است (مورک، شلیفر، و ویشنی، ۱۹۸۸). اول، در شرایطی که مالکیت مدیریتی در سطوحی قرار دارد که منافع مدیریت با منافع سهامداران همسو باشد، به عنوان منطقه همگرایی منافع مالکیت مدیریت تعریف می‌شود، به طوری که مدیران با سهام کمتر انگیزه‌های ضعیف‌تری برای فعالیت در تضاد با منافع سهامداران دارند. دوم، وقتی مالکیت مدیریتی در